

"یک پیشخدمت لایق"

مترجم :

Aralia

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

F_S_S12

کلینر :

Mika Nozen

تایپیست :

Edward



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys



@FlaxenGuys



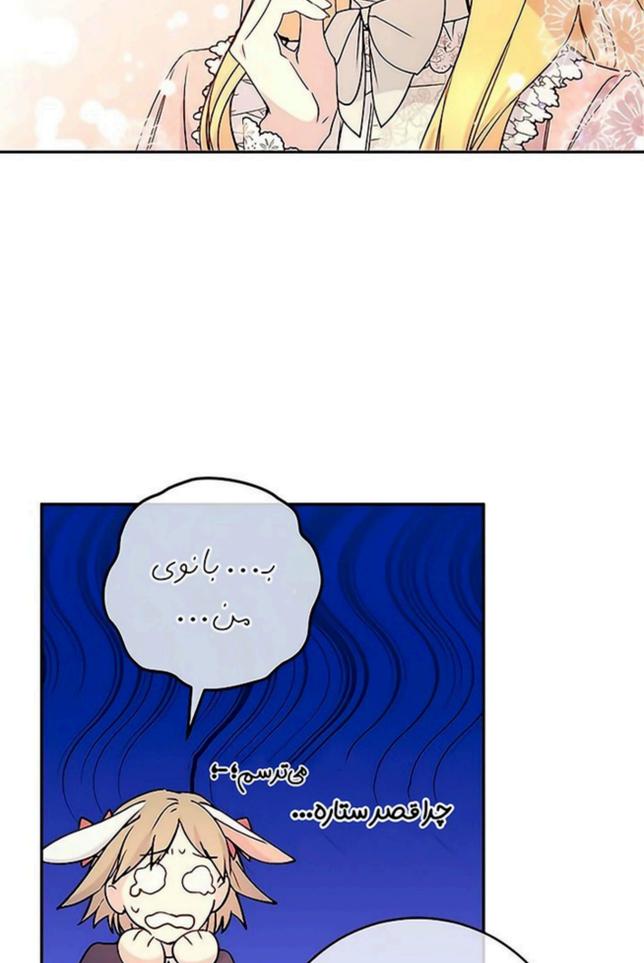
خست
خست
خست



خست
خست
خست

بانوی من، این
آخرین اتاقه،
لطفا ما رو
بخشید.

باشه، مشکلی
نیست.



ب... بانوی
من ...
بی ترسم با
چرا قصر ستاره ...

اشکال نداره
جینا. برو. فقط دارن
چکش می کنن.

*Gina



نمی دونم
چطوری راه مخفی
رو پیدا کرده.



هیچ مدرکی
نیست نه ثابت نه
من نفوزیم.

آله کم زودتر
میومای، می تونستی
دستگیرم کنی.



متاسفانه جام مقدسی
که دنبالش دگه تو قصر
ساطنتی نیست.

يك پيشخدمت لايق

نورالدين شاه

طراح: sanho نویسنده: yuin

احتمالاً مجرم
ديگه از قصر رفته
باشه.

بله، عالیجناب.
به نظرم باید این
احتمال رو هم در
نظر بگیریم.

با این حال سرورم، ورود
و خروج قصر سلطنتی در حال
حاضر کاملاً ممنوعه، طوری که
حتی یه پرنده هم نمی‌تونه
ازش رد بشه،

اما مجرم چطوری
جام مقدسو از قصر
بیرون برده؟

حتی آدمی
که به طرز افسانه‌ای
ماهره هم نمی‌تونسته
همچین کاری بکنه.

تق

تقی

یعنی واقعا
هیچ راهی وجود
نداره؟

بخشید؟

هیچ راه
خروجی وجود
نداره.



یعنی راه در
روی زلفهای هم تو
قصر سلطنت، اونم تو
این شرایط، وجود
داره؟

اصمم



یه دزد بهتر از
همه می‌تونه یه دزد
زلف رو بشناسه.



آه من
زد بودم چکار
می‌کردم...؟



او ای!

آه این
راهش باشه!

عالیجناب،
یه راه برای خروج
از قصر وجود
داره!

مجرم
می‌تونسته به عنوان
یه کارگر باربر، از قصر
فرار کنه.

کارگر؟



بله، حتی تو
این شرایط، افرادی
هستند به قصر رفت و
آمد دارند.

اونا کسانی
که زباله و پس موندی
غذاها رو حمل
می‌کنن.



فهمیدم.
چون بارش زباله‌های
کثیفه، بازرسی هم
نمی‌شه.

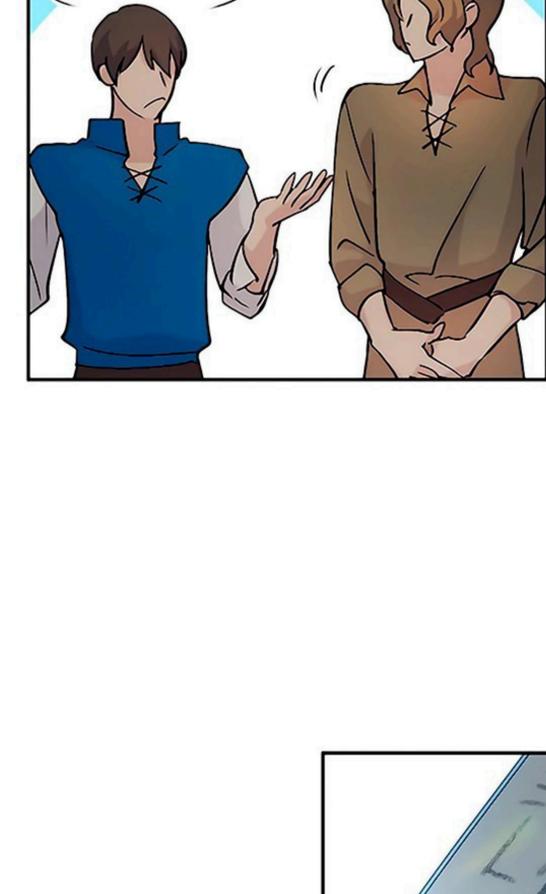
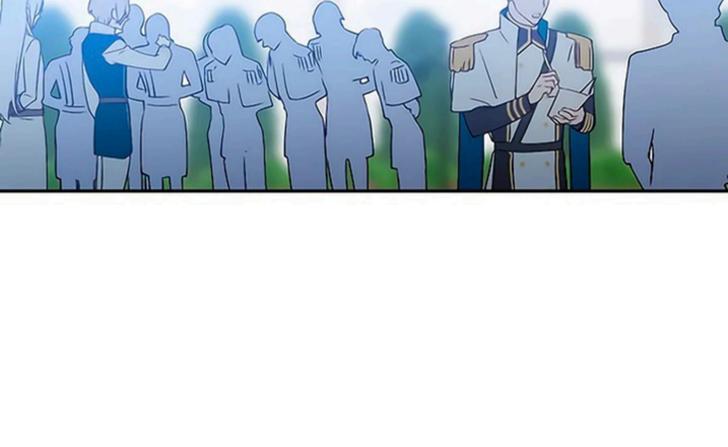
بله، مهم
نیست بازرسی چقدر
سخت‌گیرانه باشه، اونا
یه سطل کثیفو
نمی‌گردن.

اگه جام
مقدسو پنهان
کرده و رفته...

پس باید
همین الان ردشو
پیدا کنم.

باید گارد
سلطنتی و شوالیه‌ها
رو همزمان به کار
بگیریم.

همه‌ی
کسانی که اخیراً از
قصر با زباله رفتن رو
پیدا کنید.



مجرم به
شمال فرار کرده. مهم
نیست چی بشه، باید
بگیریش.

بله قربان!

سرورم.

لطفاً بهم
اجازه بدید منم
برای دستگیریش
برم.

بسیار خب. با
این حال، چند تا
شرط داره.

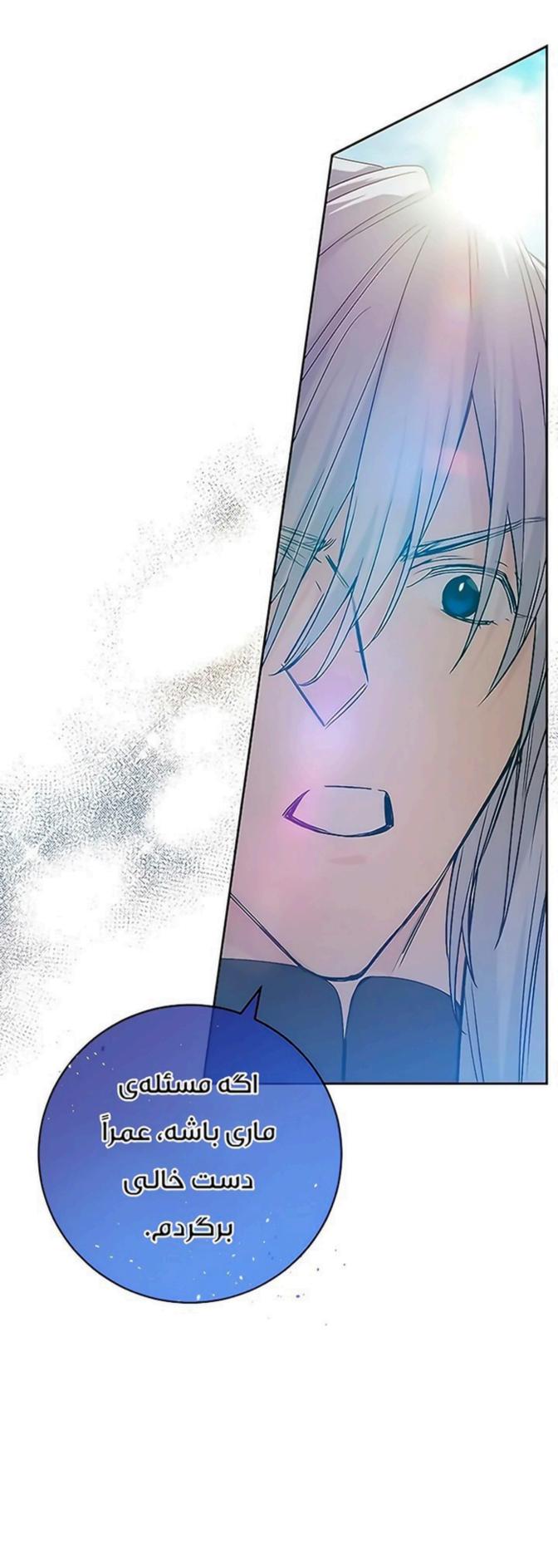
بفرمایید.

اون کسیه که
برای ماری پاپوش
درست کرده.

به هیچ وجه
دست خالی
برنگرد.

تی

نگران
نباشید.



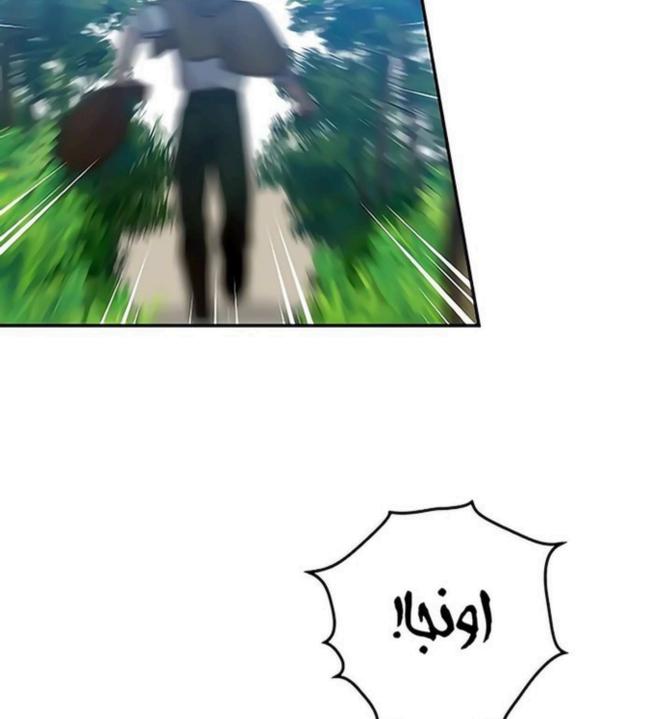
اگه مسئله‌ی
ماری باشه، عمراً
دست خالی
برگردم.



برای فعیلان
اینکه کن برای خانم
ماری پایش درسته
کرده...



حتماً مجرمو
میگیرم.



اونجا!



وایسها!!



همین الان
تسلیم شو!

تج...!



ووش

!!



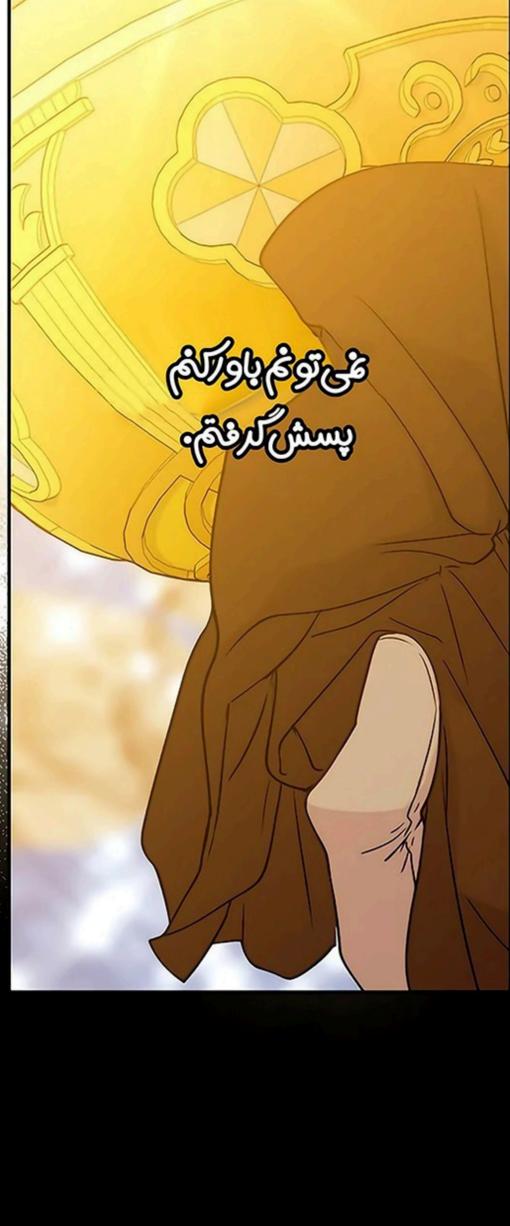
تسلیم

اینجا! حالا بیا
منو بگیر!





فرمانده!
جام مقدسو پایین
رودخونه پیدا
کردم!

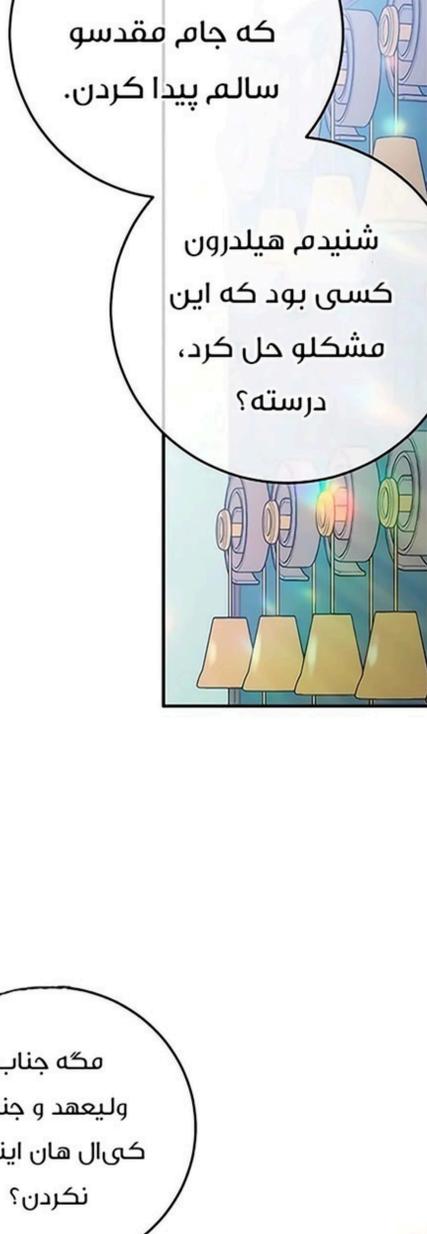


عی توخم باورگم
پسش گرفتم.



کروم عوضی ای
می خواست برایش پاپوش
درست کنه...

انقرت تعقیبش می گم تا
بفهمم.



خوشحالم
که جام مقدسو
سالم پیدا کردن.

شنیدم هیلدرون
کسی بود که این
مشکلو حل کرد،
درسته؟

مگه جناب
ولیعهد و جناب
کی ال هان اینکارو
نکردن؟

آره، اونا
کمک زیادی
کردن،

ولی می گن که
هیلدرون مهم ترین
نقشو داشته.

من اینو
نمی دونستم و
پشت اون کلی
حرف زدم.

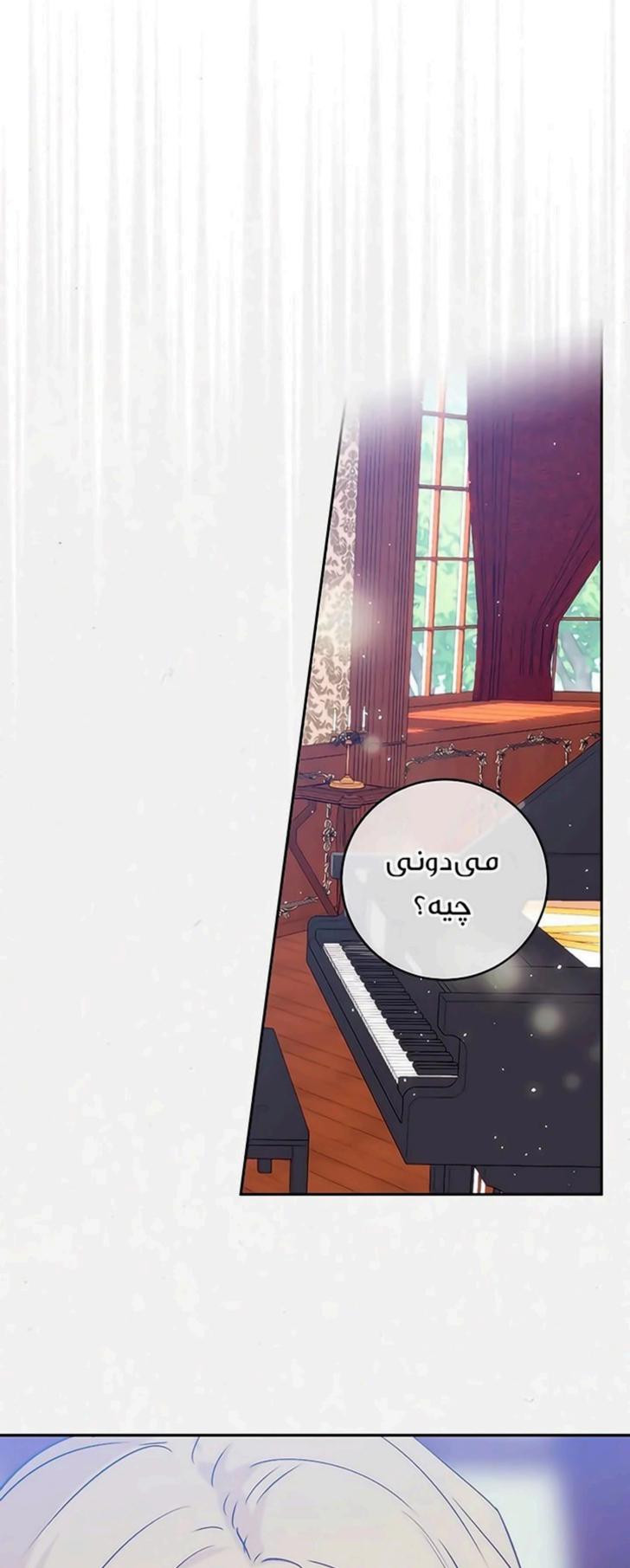
در موردش بد
حرف زدم... واقعاً
شرمندهم.



در مورد آخرین
مسئله مون با کشورهای
شرقی هم همینطور
بود.



اون همیشه
برای امپراتوری تلاش
می کنه...



می دونی
چیه؟



داستانی
هست که می گه
بانو هیلرون فرشتهی
قصر سلطنتیه.

واقعاً؟

بله، اگه
خوب نگاه کنی
هم، کاملاً بهش
میاد.

دقیق نمی دونم،
اما اگه یه فرشته تو
این قصر باشه، مطمئناً
همون بانو هیلدرونه.



متوجهم... منم
همین احساسو
دارم.



فرشتهی قصر

سلطنتی...

دلیلی نداره
که اون فرشته، خود
شما، عالیجناب ولیعهد
نباشین.



برگستن

برگستن



باید چیکار کنم؟ امکان
ناراه من گیر بیغم، نه؟



پکش پیش برداخت
دادم، ولی غی دونستم
شکست می خوره!

اعلی حضرت پوهانس سوم
اونو پیشم فرستاده، برای همین
پکش اعتماد کردم. این حرفا
مزخرفه، مگه نه؟

شنیدم که مارکئوس کی ال
هان خودش داره درمودش
تحقیق می کنه...

آه بعضه که
منم درگیرم، اون
موقع...!

نه، امکان نداره. به هر حال،
هیچ مدرکی وجود نداره.

حتی اگرم بهم مشکوک
شده باشه، کافیه فقط بگم
چیزی غی دوغم.

من که مجرمو اینجا
نیاردم.



من چیزی غی دوغم.

بانور ریچل کنت
ایستاون، لطفاً بیایید
بیرون!

!...

آروم باش.





تنها کاری که باهنگام اینه که
از پس این شرایط بر پیام.



نمی‌تونم
شکست بخورم.



هرگز.

